

خوانش فرایند ادراک و دریافت زیبایی در نظرگاه مخاطبان آثار هنری بر اساس مقایسه و تحلیل آرای فلاسفه اسلامی و غربی*

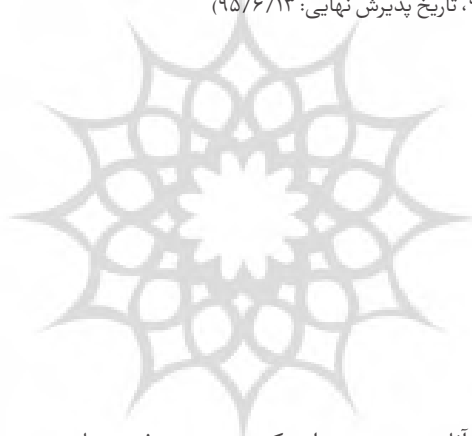
حسین احمدی^۱، رسول وطن دوست^۲، مریم شیروانی^{۳**}

^۱ دانشیار دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری مرمت (مرمت آثار و اشیا فرهنگی و تاریخی)، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۳۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۶/۱۳)



چکیده

ادراک و شناخت انسان از آثار هنری، به عنوان یک موضوع معرفت‌شناختی، ریشه‌های مفهومی خود را از دیگر حوزه‌های معرفتی از جمله فلسفه اخذ می‌کند که دیدگاه فلاسفه و اندیشمندان درباره چگونگی ادراک و دریافت زیبایی از آثار هنری در این زمینه قابل تأمل است. در این نوشتار، هدف، ارزیابی و شناخت چگونگی درک اثر و دریافت زیبایی شناسی مخاطبان آثار هنری از دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه اسلامی و غربی است که با رویکردی تفسیری-تحلیلی و با استفاده از روش استدلال منطقی سعی بر بررسی چگونگی فرایند درک و زیبایی‌شناسی توسط مخاطب دارد. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که آثار هنری به عنوان واقعیتهای صوری و معنایی هستند و ادراک آنها نوعی ارتباط «تعاملی» بین احساس، اندیشه، خرد و خیال انسانی است. ادراک و دریافت زیبایی به عنوان فرایندی ذهنی و عینی مطرح است که در سه مرحله دریافت و گزینش، تحلیل عناصر و اجزا و تفسیر و معنا بخشی اثر بیان می‌گردد. این مقوله به صورت دریافت آنی از کلیت، تفکر در ارزش‌ها، تعبیر و تفسیر و در نهایت درک از حضور و خوانش اثر بیان شده که با شهود و تأمل درگیر است و توجه به جهان فراعینی داشته که در تعامل با حالت «صوری» اثر است.

واژه‌های کلیدی

ادراک، زیبایی‌شناسی، مخاطب، اثر هنری، فلسفه.

*مقاله حاضر بخشی از مطالعات پژوهشی رساله دکتری نگارنده سوم با عنوان «بازشناسی نقش ارزش در اتخاذ رویکرد حفاظتی آثار تاریخی در سایت موزه‌های سنگی» است که با راهنمایی سایر نگارندگان در دانشگاه هنر اصفهان در دست انجام می‌باشد.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۷۳۰۵۱۵۲۱، نمابر: ۰۳۱-۳۶۲۵۶۰۱۹، E-mail: m.shirvani83@gmail.com

مقدمه

دارد. در ادراک هر اثر، ویژگی‌ها و ارزش‌های نهفته در وجود آن، در شناخت نقش موثری دارد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه در این زمینه، زیبایی و دریافت ارزش زیبایی‌شناسی اثر است که در ارتباط با نحوه دریافت نظاره‌گر ایجاد خواهد گردید. حضور نظاره‌گر و نحوه ادراک او از ارزش‌های مستتر در اثر در چرایی نگاه داشت^۵ آن، رابطه معنا دار خواهد داشت (Jokilehto, 2006, 73). در بیان این ویژگی‌ها و شناخت آن، حضور مخاطب و روابط تعاملی او با اثر، اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. بنابراین در مواجهه با اثر هنری، فرآیند ادراک اثر از جایگاه مخاطب نقش مهمی داشته و مخاطب به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از یک اثر مطرح است (شیرازیان، ۱۳۹۲، ۳۵). با نظر به این موضوع، این پژوهش قصد دارد تا از طریق واکاوی آرای فلاسفه اسلامی و غربی در باب ادراک و زیبایی، به بررسی چگونگی روند ادراک مخاطب از یک اثر هنری بپردازد. هدف اصلی این نوشتار، تحلیل و شناخت چگونگی ادراک و دریافت زیبایی اثر توسط مخاطبان آثار هنری است و به صورت تفسیری - تحلیلی در پی پاسخ به این سوال است که نحوه ادراک و دریافت زیبایی اثر توسط مخاطب از دیدگاه فلاسفه در طی چه مراحل صورت می‌پذیرد. فلاسفه اسلامی و غربی در باب ادراک زیبایی چه نظریاتی دارند و آیا فرآیند ادراک و زیبایی در نظریات با یکدیگر تشابهاتی دارند؟

ادراک و شناخت انسان از اثر هنری در پی برقراری ارتباط با اثر شکل می‌گیرد. مفاهیم و ارزش‌های نهفته در یک اثر هنری که در ورای تفکر سازنده آن قرار داشته، در ارتباط با اثر تجلی می‌یابد. فرایند ادراک اثر، همان دریافت تفکر خالق اثر است (Ambrose & Panie, 2000, 3) که در یک کالبد خود را به منصف ظهور می‌رساند. فرایند ارتباطی با یک اثر، یکی از جنبه‌های بسیار مهم در ارزشمند بودن آن خواهد بود. ادراک به طور کلی ریشه در فلسفه دارد. آگاهی از چیستی ادراک و تبیین ساز و کار آن و نقشی که در شناخت دارد، مورد توجه بسیاری از فلاسفه بوده است. بر اساس اندیشه‌های گروتز، ادراک و فهم^۳ هر اثر هنری، دارای سه جز اصلی فرستنده، پیام و گیرنده خواهد بود. پیام‌ها می‌توانند به طرق مختلف ارسال شوند اما بشر با استفاده از حواس (ادراک) می‌تواند در مغز خود به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد (بابایی، ۱۳۸۶، ۳۲). در این برآیند، نحوه ادراک از جایگاه زیبایی‌شناختی^۴ در مواجهه با اثر هنری، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. زیبایی در دید مخاطب سبب جذابیت خواهد شد و جذابیت و کنش مخاطب نسبت به یک اثر هنری است (شیرازیان، ۱۳۹۲، ۲۴). در مواجهه با یک اثر هنری، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی و ظاهری اثر، درک و شناخت ابعاد فرافیزیکی اثر اهمیت قابل ملاحظه‌ای

پیشینه تحقیق

ویژه‌ای خواهد داشت. در دهه آخر قرن بیستم، فرایند ارتباطی آثار از جنبه‌های مهم و اصلی در حفظ یک اثر هنری شناخته شد. به طور کلی در مبانی فلسفه، حفظ اثر هنری بسیار توصیه شده است که بایستی ارتباط بین جنبه بصری، نگرش، تجربه و محتوای اثر در درک آن مورد بررسی قرار گیرد (Matero, 2000, 35). بر این اساس، هاوزر دلیل ماندگاری یک شاهکار هنری را در دریافت مطلوب اثر توسط مخاطب می‌داند (لیسنگ و داتون، ۱۳۸۹، ۱۶۲). از نظر او، دریافت اثر هنری به ارزش‌های گوناگون وابسته است که به اثر معنای جدیدی می‌دهد (راوودراد، ۱۳۸۲، ۴۷). توجه به این امر در قرن بیست و یک میلادی قوت بیشتری یافت تا آنجا که عنوان شد آنچه در هر اثر هنری اهمیت دارد، حفظ معنا و مفهوم اثر است. از این رو بر ضرورت حفظ معانی اثر و انتقال به مخاطب تاکید بسیار شده است. حفظ «تعامل معنایی مخاطب با اثر» مورد توجه قرار گرفته و «شناخت اثر» شامل توجه توأمان به جنبه‌های کالبدی و صورت اثر و نیز توجه همزمان به معنا و مفهوم و دریافت آن است. بنابراین دریافت ارزش‌های نهفته در اثر هنری، در ایجاد معنا و مفهوم و انتقال آن به مخاطب بسیار مهم خواهد بود. چگونگی

در یک بیان کلی، اثر هنری به صورت نمادی^۶ مطرح می‌گردد که شامل انسان، فرهنگ و ارتباط بین آنها می‌شود (Hall & McArthur, 1993, 8). نمادین بودن، از جنبه‌های مشترک آثار فرهنگی و هنری است. بسیاری از آثار دارای پیام بوده و به همین دلیل نمادین هستند. به نظر نشانه‌شناسان^۷، هر اثر به جز جنبه‌های مادی و کالبدی خود، دارای یک کارکرد نشانه‌ای نیز هست (Jokilehto, 2006, 80). بنابراین ارزش نمادین در اثر، معانی‌ای ارزشی را مستتر در خود دارد که سبب ارتباط بین فرد و اثر خواهد گردید و نحوه ادراک مخاطب بر شناخت و دریافت این ارزش بسیار تاثیرگذار است.

از دهه ۱۹۹۰ میلادی، بسیاری بر این موضوع تاکید داشته‌اند که آثار هنری، آثاری ارتباطی هستند (Varoli, 2007, 7). بطور کلی اثر هنری در ذات خود به مثابه سند تاریخی و ارتباطی است و چنانچه اثر به هر دلیلی منزوی شود و از دسترس مخاطب دور باشد، ماهیت خود را از دست می‌دهد (Freundlg, 2010, 5). مخاطب به عنوان عامل مهم در فهم و دریافت یک اثر هنری است. مخاطب به عنوان حلقه ارتباطی بین اثر هنری و خوانش آن بوده و در فهم و دریافت یک اثر نقش بسیار مهمی دارد. بنابراین فرایند ادراک مخاطب که یک موضوع معرفت‌شناختی است در خوانش و دریافت اثر جایگاه

و انتظام، ۱۳۹۲، ۳۱). بنابراین در بیان نحوه درک انسان‌ها از یک اثر و ارزش‌های مستتر شده در آن، سهروردی اعتقاد بر سه دسته ادراک حسی، خیالی و عقلی در بین انسان‌ها دارد. انسان در مواجهه با یک اثر هنری بر اساس سه مقوله می‌تواند ارزش‌ها را در اثر دریافت نماید. بر این مبنا ادراک حسی، بوسیله حواس انسان درک می‌گردد و در این دریافت «صورت» درک می‌شود. سهروردی «ادراک بصری» را اشرف ادراک حسی می‌داند (کمالی‌زاده، ۱۳۸۹، ۱۰۴). ادراک بصری در واقع دریافت معانی زیباشناسانه یک اثر است که از طریق حس درک می‌گردد و فرایندی ذهنی خواهد بود. مظهر صورت‌های خیالی، تخیل انسان است. در واقع خیال، آئینه نفس است که به وسیله آن، صورت‌های مثالی مشاهده میشوند (سهروردی، ۱۳۷۳، ۵۹). اما دریافت عقلی به منظور دستیابی به حقایق در پرتو انوار و تجلی الهی به مرحله شهود ارتقا می‌یابد (کمالی‌زاده، ۱۳۸۷، ۱۰۴). ادراک عقلی در ارتباط با مثل نوری یا ارباب اصنام و عقول مجرد و تکیه بر آنها حاصل می‌شود. موضوع شناخت در ادراک عقلی، امور محسوس نیست که عقل از آنها صورت‌هایی را تجرید کند؛ بلکه تأمل در محسوسات و... سبب آمادگی نفس برای اشراق حضوری نسبت به ارباب انواع است. ادراکات عقلی انسان با استمداد و حضور نفس نسبت به آنها حاصل می‌شود (رزم‌گیر و انتظام، ۱۳۹۲، ۳۳). اما ملاصدرا ادراک را فرآیندی «صدوری» می‌داند. بدانگونه که نفس در هر مرتبه از ادراک، صورتی ادراکی متناسب با آن مرحله می‌آفریند که شکل تکامل یافته‌ای از صورت‌های پیشین است. به باور وی، رابطه ادراکی در فرآیند ادراک هر لحظه در حال بازآفرینی است (ملاصدرا، ۱۳۸۰، ۲۱۵). از منظر او، لذت زیبایی و ادراک آن، در طی روند تکاملی خود تبدیل به لذت هنری می‌شود. ملاصدرا شکل و محتوا را مهم دانسته و آثار هنری را آثاری موزون می‌داند (کوثری، ۱۳۸۶، ۱۳).

اندیشمندان غربی نیز همانند فلاسفه اسلامی در خصوص دریافت، فهم و ادراک یک اثر هنری، دیدگاه قابل تاملی را بیان نموده‌اند. باومگارتن، در قرن ۱۸ میلادی از واژه علم ادراک حسی استفاده نمود (کارول، ۱۳۸۷، ۲۴۶). او مراحل ادراک حسی را شامل مشاهده اولیه و کلی اثر، دیدن رنگ‌ها و شکل‌ها و... بررسی عمق، فضا و فاصله‌ها و در نهایت درک احساسات و معانی بیان می‌کند (کالینسون، ۱۳۸۸، ۱۵). بنابراین می‌توان گفت فرآیند ادراک اثر، نیازمند حرکت از ظواهر اثر و رسیدن به درون و محتوای اثر خواهد بود. دافرن در این رابطه می‌گوید: ادراک، تنها ثبت منفعلانه مشهودات نیست، ادراک یعنی کشف دوباره معنای درون که در پس مشهودات است و تنها مخاطبی قادر به درک آن است که راه رمزگشایی آن را می‌داند (جانجی، ۱۳۸۸، ۳۶).

بنابراین می‌توان فرآیند ادراک را در دو حوزه ذهنی و عینی در نظر گرفت که در یک برآیند قرار می‌گیرند. آنتیگهاوزن بیان می‌دارد که ادراک، اختصاص به نوع انسان دارد؛ هم به اعتبار حیوانیت (دریافت حسی) و هم به اعتبار عقلانیت (فهم و خیال) (آنتیگهاوزن و دیگران، ۱۳۹۰، ۴۹). بنابراین دریافت در محیط عینی شکل گرفته و در گام بعدی ادراک به صورت عقلی و حسی در محیط شکل می‌پذیرد که شناخت اثر و واکنش را در پی خواهد داشت (نمودار ۱).

انتقال این مفاهیم، رابطه مستقیمی با بحث ادراک اثر هنری در ذهن مخاطب دارد. بنابراین با توجه به اهمیت ارزش‌ها و معانی نهفته در اثر، به خصوص ارزش زیبایی‌شناسی، حضور مخاطب به عنوان یک عامل فرآیند ارتباطی بین اثر هنری و خوانش ارزش‌ها و زیبایی در فرآیند ادراک مهم خواهد بود.

روش تحقیق

در جهت دستیابی به هدف مورد نظر و پاسخ به سوالات پژوهش، شیوه‌گزینش شده به صورت تفسیری-تحلیلی خواهد بود. جهت نیل به هدف، در ابتدا به بررسی فرآیند ادراک از منظر فلسفه و دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی در این زمینه پرداخته شده و پس از آن ادراک زیبایی از نظر اندیشمندان تحلیل و بررسی گردیده است تا از این منظر، ویژگی‌ها و معیارهای این فرآیند شناسایی گردد. سپس در مرحله بعد، مقایسه تطبیقی جهت شناخت ویژگی‌های ادراک و زیبایی در نزد فلاسفه غربی و اسلامی صورت پذیرفته است تا بتوان به چگونگی نحوه ادراک توسط نظاره‌گر و ویژگی‌های این فرآیند دست یافت.

۱- فرآیند ادراک مخاطب از اثر هنری از منظر فلسفه

ادراک به معنای رسیدن و وصل شدن (فیزیکی) و پختگی و بلوغ در فرهنگ ایران آمده است (واژه‌نامه دهخدا) و نیز «دریافتن و رسیدن کودک به بلوغ و میوه به پختگی (کشف لغات به نقل از دهخدا) و دریافتن و فهمیدن» (فرهنگ لغت معین). بر این اساس ادراک به فرآورده و نیز به طی مراحل (فرآیند) اطلاق می‌شود. ادراک کنشی درون ذهنی، دارای نمود بیرونی و برخوردار از پیوستگی و استمرار است (نقی‌زاده و استادی، ۱۳۹۳، ۷). اما ادراک در فلسفه از مباحث مهم شناخت‌شناسانه^۸ و مهم‌ترین گام در شناخت خویشتن و هستی است و سهم اساسی در بازشناسی نوع رابطه انسان با جهان دارد. به طور کلی می‌توان فلسفه را خاستگاه مفهوم‌پردازی در زمینه ادراک دانست. در فلسفه اندیشمندان شرق و غرب در این حوزه همانند ابن‌سینا، سهروردی، ملاصدرا، باومگارتن، دافرن، آنتیگهاوزن و... ویژگی‌هایی را در مراحل و فرآیند ادراک اثر هنری بر شمرده‌اند که قابل تامل است.

ابن‌سینا از فلاسفه بزرگ ایران، ادراک را حاصل یک روند و مبتنی بر انتزاع می‌داند. از دیدگاه او، ادراک «نقش بستن صورت یا حقیقت شی در ذهن» معنا یافته است (تعلیقات به نقل از فعالی، ۱۳۷۶). در این برآیند، دریافت و فهم اثر به صورت کنشی درون ذهنی است. ادراک، حضور شی نزد ذات مجرد از ماده و یا غایب نبودن شی از ذات مجرد است. ادراک نفس نسبت به امور بیرون از ذات خود به حضور صورت آن است. استحضار صورت‌های جزئی در قوای نفس و استحضار صورت‌های کلی در ذات نفس است (سهروردی، ۱۳۷۳، ۴۸). ادراک نزد سهروردی عبارت است از عدم غیبت شی از ذات مجرد. به نظر او این تعریف ادراک، ذات و غیر، هر دو را شامل می‌شود. غایب نبودن اشیا بیرون از انسان به استحضار صورت آنهاست نه خود آنها (رزم‌گیر

خوشایند به حساب می‌آیند.

به طور کلی، انسان زیبایی مادی را از طریق حس درک می‌کند و این زیبایی، نسبی و تابع ذوق، سلیقه، عادت و عرف اجتماعی است. زیبایی مادی به صورت صفات خاصی مثل کمال و تناسب میان اجزای اثر تجسم پیدا می‌کند (صدیق، ۱۳۸۳، ۷۵). در بیان زیبایی و ادراک آن، اندیشمندان و فلاسفه دیدگاه‌های مختلفی را ذکر کرده‌اند. در اندیشه مولوی، زیبایی شناسی حسی و عقلی که مجال داوری‌های حسی و عقلی است، جایگاهی ندارد بلکه ادراک زیبایی نه حاصل ادراک حواس بلکه حاصل شهود قلبی و خلاقیت قوه خیال است و جمال واقعی تنها از طریق قلب و مشاهده حسن الهی و عشق به جمال حضرتش ادراک می‌شود (پناهی و اسکوئیان، ۱۳۹۳، ۵۶). صورت زیبا، اموری محسوس، شهودی، متکثر، ظاهری و متناهی هستند. اما، بی صورت امری نامحسوس، غیبی، واحد، باطنی و نامتناهی است. در این رویکرد، نقش‌ها و صور و زیبایی‌های محسوس عالم به خودی خود، فاقد هرگونه ارزشند (سبزواری، ۱۳۷۴، ۵۳). از نظر وی، به هیچ وجه نمی‌توان منشأ هنر را احساسات و عواطف یا مقصد آن را ایجاد لذت حسی در مخاطب دانست (پازوکی، ۱۳۸۲، ۱۰). نقش‌ها و صور تنها در مواجهه و رویارویی مخاطب با آنهاست که ارزش و اعتبار پیدا می‌کنند و محملی برای تجلی جمال الهی و تحقق مقام احسان بر انسان می‌شوند. ادراک زیبایی نزد مولانا عامل لذت حسی نیست بلکه راهی است به سوی هدایت و توسعه وجودی سالک و اتصال به مبدا وجود، حقیقت، خیر و زیبایی. از منظر مولوی، زیبایی مطلق بی‌صورت از طریق حس و عقل قابل ادراک نیست بلکه از طریق شهود قلبی و فعالیت قوه تخیل به ادراک در می‌آید (پازوکی، ۱۳۸۲، ۶).

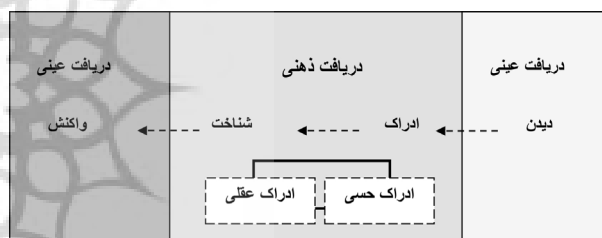
از منظر فارابی، زیبایی، زینت و بها یا نیکویی در هر موجود این است که وجود برتر و کامل‌تر او محقق شود و «کمال ثانی» تحقق پذیرد (بلاک، ۱۳۸۳، ۳۴۰). فارابی، زیبایی را امر تشکیکی

بنابراین ادراک، همان کشف کردن است. در اینجا است که ذهنیت مخاطب نقش خود را بیان می‌دارد و شرایط فرهنگی و اجتماعی او در این زمینه تاثیرگذار است. ادراک می‌تواند به عنوان فرآیند ذهنی و عینی مطرح گردد که در پس مشاهدات بیرونی و درونی اثر خود را به نمایش خواهند گذارد. در فلسفه، فرآیند ادراک را در اصل پیدایش صورت‌های ذهنی در انطباق با عینیت خارجی می‌دانند که دارای مراتب قابل تفکیک خواهد بود. مباحث و آرای ذکر شده توسط فلاسفه را در زمینه فرآیند ادراک می‌توان در جدول ۱ مشاهده نمود.

بنابراین ادراک در فلسفه را می‌توان حامل چنین ویژگی‌هایی دانست: پیدایش صورت‌های ذهنی در انطباق با عینیت خارجی، نقش بستن صورت پدیده در ذهن در جریان ادراک و انتزاع و تحول صورت ذهنی یا بازتولید آن.

۲- ادراک زیبایی در نزد اندیشمندان اسلامی و غربی

در موضوع علوم زیبایی‌شناسی، دو مقوله مهم مدنظر قرار گرفته است: نخست تشخیص و درک عواملی است که در ادراک یک شی یا یک فرآیند تجربی زیبا یا حداقل خوشایند نقش دارند و دوم درک توانایی انسان برای ابداع جلوه‌هایی است که از نظر زیبایی‌شناسی



نمودار ۱- فرآیند کلی ادراک و شناخت.

ماخذ: (برگرفته از نقی زاده و استادی، ۱۳۹۳، ۶)

جدول ۱- مقایسه نظریات فلاسفه در زمینه فرآیند ادراک اثر هنری.

نوع صدور	فرآیند درک		نظریه ادراک	فیلسوف	
	عینی	ذهنی			
	*	عینی: ----- ذهنی: نقش بستن صورت در ذهن	حاصل یک روند مبتنی بر انتزاع	ابن سینا	فلاسفه اسلامی
	*	عینی: حاصل از مشاهده ذهنی: حاصل پروراندن در تجسم	پذیرفتن اثر در سه وجه عقلی، حسی و خیالی	سهروردی	
	*	عینی: ----- ذهنی: حاصل از بازآفرینی در هر لحظه	فرآیندی صدوری	ملاصدرا	
	*	عینی: حاصل از مشاهده ویژگی ظاهری ذهنی: ثبت مشهودات حاصل از تجسم خیالی	حرکت از ظواهر و رسیدن به محتوا و درون	باومگارتن	فلاسفه غربی
	*	عینی: ----- ذهنی: حاصل از خیال و شهود باطنی	کشف دوباره معنای درون در پس مشهودات	دافرن	
	*	عینی: دریافت از محیط ذهنی: حاصل پروراندن در خیال	اعتبار حیوانیت (حسی) و اعتبار عقلانیت (فهم و خیال)	اتینگه‌اوزن	

برمی آید و به داوری می پردازد. لذا چشیدن زیبایی با احساس آغاز و با واکنش روحی انسان نمایان و سرانجام شناخت و ارزیابی زیبایی به عقل واگذار می شود (صدیق، ۱۳۸۳، ۱۱۴). از دیدگاه فیلسوفان اسلامی، وقتی زیبایی و ارزش چیزی مورد ادراک واقع شود، لذت حاصل می شود. به تعبیر دیگر، لذت یا دست کم قسمی از لذت، نتیجه ادراک زیبایی و ارزش است و هر قدر زیبایی شدید، و ادراک زیبا قوی باشد، به همان اندازه لذت هم شدید و قوی خواهد بود.

اما در نظریه های زیبایی شناختی مکاتب فلسفی غرب، از مکاتب تجربه گرا و معقول گرا تا پدیدارشناسی^۱ و اگزیستانسیالیسم، همگی با تحلیل معرفت شناختی مفهوم زیبایی، زیبایی را امری محسوس و سوپزکتیو^۲ دانسته و با تاکید بر روابط سوپژه و ایزه زیبایی، به تبیین فرایند ادراک آن در نسبت با قوای حس، عقل و خیال پرداخته اند. کانت در تعریف زیبایی این چنین بیان می کند: زیبایی به صورت غایت مندی یک عین است تا جایی که این صورت بدون تصور غایتی، در عین دریافت شود (کانت، ۱۳۷۷، ۱۴۵). نکته مهم در این تعریف این است که داوری درباره زیبا بر یک غایت مندی صرفاً صوری (ذهنی) یعنی «غایت مندی بدون غایت» متکی است و امر زیبا از هرگونه غایت مندی عینی بیرونی یعنی سودمندی و غایت مندی عینی درونی یعنی کمال عین، خالی است (همان، ۱۳۱). ادراک زیبایی شناختی، اختصاص به نوع انسان دارد؛ حسی و عقلانی. آن چه صرفاً بر اساس دریافت حسی دست دهد، امری مطبوع است که

که مراتب دارد نیز، بیان می دارد. زیبایی در این معنا برای خدا امر ذاتی و برای انسان ها و دیگر موجودات امر عرضی به شمار می آید و ادراک آن با احساس، تخیل یا عقل، بسته به مرتبه ای که دارد صورت می پذیرد و از این رو لذت (ادراک زیبایی) نیز دارای مراتب می شود. در این سلسله مراتب، زیبایی ذاتی خدا بالاترین مرتبه آن به شمار می آید که وحدت عاشق و معشوق را می طلبد و پس از آن، زیبایی عرضی و لذت همگام با آن، که دوگانگی عاشق و معشوق را می طلبد، در مرتبه موجودات وجود دارد (بلاک، ۱۳۸۳، ۳۴۱).

ابن سینا سه امر را مقوم زیبایی و ارزش تلقی می کند: داشتن نظم؛ ۲. داشتن تالیف؛ ۳. داشتن اعتدال. که نتیجه این سه، حصول تناسب و هارمونی است (ابن سینا، ۱۹۵۳، ۱۷). تعریف زیبایی و به مثابه آن ارزش به تناسب و هماهنگی پیوسته، مناقشاتی به دنبال داشته است؛ از جمله این که این تعریف صرفاً شامل زیبایی های محسوس و مادی می شود، نه زیبایی های معقول و معنوی؛ چون وجودهای بسیط مثل حق تعالی دارای اجزا نیستند تا بین اجزا تناسب و هماهنگی باشد.

ابوحیان توحیدی در خصوص ذوق زیباشناختی می گوید: زمانی که انسان در برابر اثری زیبا قرار گیرد، در این حالت عقل کنار می رود و احساس تخیل، ناگهان همچون مکاشفه ای روحانی و عرفانی او را فرا می گیرد. این، بخشی از روند درک زیبایی است. انسان پس از گذراندن این مرحله، درصدد کشف علت و انگیزه این احساس

جدول ۲- مقایسه نظریات اندیشمندان و فلاسفه اسلامی و غربی در زمینه فرایند ادراک زیبایی.

فیلسوف	وجه تاکید در ادراک	نحوه فرآیند	ذهنی	عینی
فلاسفه اسلامی	مولانا	خیالی	عینی: ----- ذهنی: حاصل از آگاهی تجسم یافته	*
	فارابی	احساس، عقل، خیال	عینی: حاصل از مشاهده ذهنی: حاصل از تفکر خلاقانه	*
	ابن سینا	خیالی	عینی: ----- ذهنی: ویژگی های صوری در ذهنیت	*
	ابوحیان توحیدی	حسی و خیالی و در انتها عقلی	عینی: حاصل از مشاهده ذهنی: حاصل از ادراک و شهود	*
	سهروردی	حسی	عینی: ----- ذهنی: حاصل از شهود و تعابیر	*
فلاسفه غربی	کانت	غایتمندی عین، خیالی	عینی: غایتمندی بدون غایت ذهنی: بازی آزاد قوای مخیله و فاهمه	*
	اتینگهاوزن	حسی و فهم و خیال	عینی: لذت از وجود مادی ذهنی: ذوق شخصی در فرآیند شهودی	*
	دافرن	خیالی	عینی: ----- ذهنی: حاصل از ادراک و شهود	*
	بوخنسکی	حسی	عینی: ----- ذهنی: حاصل از شهود و تعابیر	*
	کلارک	حسی	عینی: دریافت رنگ و شکل مادی ذهنی: بازنگردن و لذت از اثر	*

تعاریف و مفاهیم ارائه شده در هر دو حوزه در بحث دریافت اثر، یک فرآیند تعاملی ذهنی را دنبال خواهد کرد. در یک مقایسه می توان تعاریف بدست آمده در دو حوزه را در جدول ۳ مشاهده نمود. بر این اساس می توان چنین برداشت نمود که اگر چه نوع فرآیند ادراک در دو نظریه در برخی گام ها دارای تفاوت بوده، اما در سیر تکاملی در بحث ادراک زیبایی، تطابق در بحث ادراک از منظر فلاسفه اسلامی و غربی دیده می شود و تشابهات زیادی با یکدیگر داشته اند.

۴- یافته های پژوهش

در پاسخ به سوال اول در مورد نحوه ادراک و دریافت زیبایی اثر توسط مخاطب از دیدگاه فلاسفه می توان گفت که فرایند ادراک در بین مخاطبان شامل سه مرحله خواهد بود. نخستین مرحله در یک زمینه، مشاهده اثر به عنوان یک کلیت است که اجزا و بخش های گوناگون اثر این کلیت را فراهم می سازند. ویژگی های خاص لحاظ شده در اثر هنری سبب می گردد که مخاطب به سمت آن تمایل پیدا کرده و به دلیل وجود ویژگی های خاص اثر به سمت آن جذب شود. این روند یک فرآیند عینی است که حاصل از دریافت ماده و صورت اثر خواهد بود که فلاسفه بسیاری همانند فارابی، سهروردی، ابوحیان توحیدی، کلارک، باومگارتن و اتینگهاوزن دریافت مادی و لذت از آن را در دریافت و ادراک زیبایی موثر دانسته اند. در مرحله دوم، مخاطب به تحلیل اجزا و عناصر اثر می پردازد. در این فرایند، ویژگی های نهفته در اثر مورد توجه قرار می گیرد. تجزیه و تحلیل یک اثر و دریافت ارزش های آن، نیازمند آن است که مخاطب بدون پیش فرض های ذهنی با آن ارتباط برقرار نماید. در این مرحله، دریافت به صورت عینی و ذهنی صورت می پذیرد. در مرحله عینی، ویژگی های بصری اثر دریافت می گردد و در مرحله ذهنی، تحلیل ارزش ها و نمادها در ذهنیت مخاطب صورت خواهد پذیرفت که تطابق میان مشاهدات و ادراک شهودی است که لذت اثر را در پی دارد و در دیدگاه فلاسفه اسلامی و غربی این موضوع کاملاً مشهود است.

در مرحله سوم، مخاطب به دنبال درک تفکر خالق اثر و احساساتی است که از خالق در زمان خلق در اثر رخ داده است به دنبال دستیابی به معنا و مفاهیمی است که در ذهن خالق بوده است. به بیان دیگر، به دنبال شناخت احساسات و معانی ای است

در آن، وجود عین لحاظ می شود و علاقه و سلیقه و ذوق شخصی در احساس آن دخالت دارد و لذت حاصل از آن هم، لذتی مادی، جسمانی و لذت صرف است (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۹۰، ۵۱). کانت در نقد سوم، ادراک زیبایی و صدور حکم زیبایی شناسانه را، حاصل «بازی آزاد قوای مخیله و فاهمه» می داند (پناهی و اسکوئیان، ۱۳۹۳، ۵۶) و آن را حاصل روابط سوژه و ابژه بیان می کند.

دافرن در بحث ادراک دو موضوع را مطرح می کند: نخست ادراک عادی و دیگری ادراک زیباشناختی. ادراک زیباشناختی صرفاً سازماندهی حوزه ادراکی نیست، بلکه در عین حال، واکنش عاطفی و تاثیرگذار نسبت به عناصر ظاهری و شکلی است. این بخش از ادراک، کاملاً با شهود و تامل درگیر است، توجه به جهانی فراعینی دارد و همین نگرش زیباشناختی است که به تعالی بخشیدن، به درک معمول اشیا کمک می کند، چرا که در آن تخیل بالاترین جایگاه را دارد (جانجی، ۱۳۸۸، ۳۷).

بوخنسکی تذکر داده است آنگاه که سخن بر سر ارزش ها است، در ساحت معنوی و روحی دست کم سه دسته از ارزش ها بطور خاص یعنی ارزش های اخلاقی، ارزش های زیباشناختی و ارزش های دینی مطرح می گردد. ارزش های زیباشناختی، ارزش هایی همچون زیبا، زشت، فاخر، ناهموار، هماهنگ، لطیف و ظریف، والا و امثالهم نیز تا حدودی شناخته شده اند و آن همان حس استحسانی است که از نگرش زیباشناسانه ما برمی خیزد و دست کم بواسطه ندایی که به وجدان ما راه پیدا می کند (بوخنسکی، ۱۳۸۰، ۷۳) بیان می گردد. اما کلارک درک زیبایی اثر هنری را در چهار مرحله نگاه آبی به اثر، شکل و رنگ آن، بررسی موشکافانه اثر و لذت بردن از هارمونی میان رنگ ها، به خاطر آوردن و تفکر در ارزش های اثر و در آخر، بازنو کردن و فرورفتن در آن می داند (Clark, 2000, 105). بنابراین ادراک زیبایی، امری ذهنی است که در پس عینیت اثر ایجاد می گردد. در جدول ۲، نظریات مطرح شده بررسی گردیده اند.

۳- مقایسه تطبیقی و تحلیل آرای فلاسفه اسلامی و غربی در باب ادراک و زیبایی

به طور کلی در نظرگاه فلاسفه غربی و اسلامی در باب فرآیند ادراک و زیبایی می توان گفت که مشابهت های زیادی وجود دارد و بیشتر

جدول ۲- تحلیل ادراک و زیبایی در فلسفه اسلامی و غربی.

مفاهیم	فلسفه اسلامی	فلسفه غربی
ادراک	نقش بستن صورت پدیده در ذهن در جریان ادراک پذیرندگی اثر ادراک شونده از ادراک کننده دارای مرتبه بندی و نه صرفاً ترتیبی انتزاع و تحول صورت ذهنی یا بازتولید آن	پیدایش صورت های ذهنی در انطباق با عینیت خارجی حرکت از ظاهر و رسیدن به درون توسط ادراک کننده بازدریافت صورت ذهنی توسط کنشگر
زیبایی	دریافت حسی از وجود عین و ایجاد لذت خلاقیت قوه تخیل از طریق مشاهده حسن الهی دارای مرتبه بندی ترتیبی مکاشفه روحانی و عرفانی به همراه داوری فارغ از غایت مندی عینی بیرونی و درونی	پذیرندگی صورت ذهنی در انطباق با صورت عینی دریافت غایت مندی عین صرفاً صوری حضور جهان فراعینی در تعالی بخشیدن به تخیل ذهنی امری مطبوع در وجود عین با لذت حاصل

فلاسفه اسلامی و غربی اگر چه دارای مکاتب گوناگون فلسفی هستند، اما نظریات آنها در باب ادراک زیبایی تشابهات زیادی دارد. برخی از فلاسفه ادراک زیبایی را فرآیندی ذهنی برشمرده‌اند که ناشی از تحلیل و بازخوانی تفکرات خالق اثر و ارزش‌های یک اثر هنری در ذهنیت نظاره‌گر خواهد بود و برخی آن را فرآیندی عینی برشمرده‌اند که حاصل دریافت صورت اثر و زیبایی‌های عینی آن است. و برخی آن را فرآیندی ذهنی و عینی برشمرده که خوانش زیبایی، حاصل از دریافت صورت و معنا در کنار یکدیگر خواهد بود.

نتیجه

در مرحله بعد، تفسیر و معنا بخشی (درک تفکر خالق) بیان می‌گردد که مخاطب به دنبال دستیابی به معنا و مفاهیمی است که در ذهن خالق بوده و به صورت ذهنی صورت خواهد پذیرفت که در اندیشه مولانا، حاصل از آگاهی تجسم یافته، در اندیشه ابن سینا، نقش بستن صورت یا حقیقت شی در ذهن و در اندیشه ملاصدرا، حاصل از بازآفرینی در هر لحظه است. دافرن آن را حاصل از خیال و شهود باطنی و بوخسکی حاصل از شهود و تعبیر می‌داند.

به طور کلی فلاسفه اسلامی، ادراک را دارای مرتبه‌بندی و انتزاع و تحول صورت ذهنی یا بازتولید آن در ذهن جریان ادراک‌کننده می‌دانند و فلاسفه غربی، ادراک را بر مبنای پیدایش صورت‌های ذهنی در انطباق با عینیت خارجی و بازدریافت صورت ذهنی بیان می‌کنند. نظریات مطرح شده در حوزه ادراک در دیدگاه هر دو گروه فلاسفه مطابقت زیادی دارد و بر صورت‌پذیری ذهنی ادراک تأکید دارند. همچنین فلاسفه اسلامی زیبایی را دریافت حسی از وجود عین و خلاقیت قوه تخیل دانسته و فلاسفه غربی آن را امری مطبوع در وجود عین به همراه لذت و دریافت غایت‌مندی می‌دانند که در این زمینه نیز نظریات هم‌پوشانی زیادی دارد.

بنابراین آثار هنری به عنوان واقعیتهای صوری و معنایی هستند که به عنوان مدل‌های جامعه‌شناختی به شمار می‌روند و تلاشی برای برقراری نوعی ارتباط «تعاملی» بین احساس، اندیشه، خرد و خیال انسانی هستند که با آنها مواجه می‌گردند. ادراک، کشف‌کردن است که به صورت فرآیندی ذهنی و عینی ایجاد گردیده که با شهود و تأمل درگیر است و توجه به جهان فراعینی دارد که در تعامل با حالت «صوری» و عینیت اثر ایجاد گردیده و سبب ادراک و خوانش اثر خواهد گردید.

که اثر از خود منتقل می‌سازد و در اصل تفکر مخاطب در اثر است که مستلزم دانستن معنا می‌گردد. این مرحله از ادراک نیز به صورت ذهنی انجام خواهد پذیرفت. در طی این سه مرحله، نظاره‌گر می‌تواند دریافتی از اثر داشته و معنا و زیبایی یک اثر را دریافت نماید. در پاسخ به سوال دوم در زمینه نظرات فلاسفه و تشابهات و تناقضات آنها در باب ادراک زیبایی می‌توان گفت آنچه در فلسفه ادراک زیبایی مطرح است آن را به صورت فرآیندی ذهنی و عینی برشمرده‌اند. این دریافت در مراتب گوناگون صورت می‌پذیرد.

اهمیت فرایند ادراک اثر، به عنوان بخشی از سیر تکاملی آن در طول تاریخ مطرح است و مخاطب در این زمینه نقش بسزایی دارد. لزوم فرایند ادراک، ایجاد ارتباط بین ذهن، ذوق، عقل و تجربه مخاطب با اثر است که حس و عقل نقش بنیادینی داشته و مستلزم عبور از ظاهر اثر و رسیدن به محتوای باطنی آن است. نتایج حاصل از مقایسه و واکاوی در حوزه نظریات فلاسفه اسلامی و غربی چنین بیان می‌دارد که فرایند ادراک، دارای سلسله مراتب و کارکردهای گوناگونی است که فرآیندی ذهنی و عینی بوده و در سه مرحله ادراک حسی (دریافت و گزینش اثر)، ادراک خیالی (تحلیل عناصر و ویژگی‌ها بر اساس ذهنیت) و ادراک عقلی (تفسیر و معنا بخشی) بیان می‌گردد.

در مرحله اول، دریافت و گزینش اثر (کلیت) به عنوان فرآیندی عینی بیان می‌گردد که بر اساس دیدگاه سهروردی، فارابی و ابوحنیف توحیدی، دریافتی حاصل از مشاهده است و بر طبق نظریات باومگارتن، کلارک و اتینگهاوزن، دریافت رنگ، شکل و ویژگی‌های مادی اثر را شامل می‌شود که لذت اولیه را در پی خواهد داشت. در مرحله بعد، تحلیل ویژگی‌ها، اجزا و عناصر اثر (نمادین و بصری) است که به عنوان فرآیندی ذهنی و عینی بیان می‌گردد. فلاسفه اسلامی و غربی در این زمینه آن را تطابق میان مشاهدات عینی و ادراک شهودی دانسته‌اند که بازنو کردن و لذت اثر را در پی دارد. ذوق شخصی در فرایند شهودی حاصل از وجود مادی در این زمینه بسیار تاثیرگذار است. فارابی، ابوحنیف توحیدی، کانت، اتینگهاوزن، باومگارتن و سهروردی تقریباً در این زمینه آرای مشترکی دارند.

پی‌نوشت‌ها

6 Symbol.

7 Semioticians.

8 Epistemologic.

9 Phenomenological.

10 Subjective.

1 Perception.

2 Value.

3 Conception.

4 Aesthetics.

5 Conservation.

فهرست منابع

- کالینسون، دایانه (۱۳۸۸)، تجربه زیباشناختی، ترجمه فریده فرودفر، فرهنگستان هنر، تهران.
- کارول، نونل (۱۳۸۷)، درآمدی بر فلسفه هنر، ترجمه صالح طباطبایی، فرهنگستان هنر، تهران.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۷۷)، نقد قوه حکم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، نشر نی، تهران.
- کمالی زاده، طاهره (۱۳۸۹)، هنر و زیبایی از دیدگاه سهروردی، موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۶)، درک آثار هنری در جامعه، اولین هم اندیشی جامعه شناسی هنر، گردآورنده سیروس یگانه، فرهنگستان هنر، تهران.
- لیسنگ، آلفرد و دنیس داتون (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات مسائل هنر و زیبایی شناسی معاصر، آثار جعلی و تقلبی، ترجمه نیما ملک محمدی، فرهنگستان هنر، تهران.
- ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۰)، ترجمه اسفار، سفر چهارم از خلق به خلق، ترجمه محمد خواجهی، انتشارات مولی، تهران.
- نقی زاده، محمد و مریم استادی (۱۳۹۳)، مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرآیند آن در فلسفه و روان شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۳-۱۵.
- Ambrose, Timothy & Panie, Crispin (2000), *Museum Basics*, Icom, Italy.
- Clark, K (2000), From regulation to participation: cultural heritage, sustainable development and citizenship in forward planning: The function of cultural heritage in changing Europe, *City & Time*, (4)3, pp 103-110.
- Ferundlg, Gerhard (2010), *To Restor or Not Restor? The never-Ending Controversy Over Arts Integrity Vs. The Preservation of Cultural Heritage*, Germany.
- Hall, M & McArthur, S (1993), *Heritage management in New Zealand and Australia: Visitor management, interpretation, and marketing*, Oxford University Press, Melbourne.
- Jokilehto, Jukka (2006), Considerations on Authenticity and Integrity in World Heritage Context, *City & Time*, (2), pp 70-83.
- Matero, F (2000), *Ethics and Policy in Conservation*, Newsletter.
- Varoli- Piazza, Rosalia (2007), *Sharing Conservation Decision*, Iccrom, Rome, Italy.
- ابن سینا، محمد (۱۹۵۳)، رساله فی ماهیة العشق، احمد آتش، سنت، استانبول.
- اتینکهاوزن، ریچارد؛ اسپریتو، کونز؛ گابریلی، نیولی؛ واندریر، نیکولاس؛ آسونتو، جنتیلی و پلب (۱۳۹۰)، تاریخچه زیبایی شناسی و نقد هنر، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، تهران.
- بابایی، علی (۱۳۸۶)، پریچهر حکمت، نشر مولی، تهران.
- بلاک، ببورال (۱۳۸۳)، فارابی، ترجمه روح الله عالمی، حکمت، تهران.
- بوخنسکی، یوزف ماری (۱۳۸۰)، راه های تفکر فلسفی، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، نشر پرسش، اصفهان.
- پازوکی، شهرام (۱۳۸۲)، مقدماتی درباره میادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی معنوی، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۱۵، صص ۴-۱۱.
- پناهی، اسماعیل و عباس اسکوثیان (۱۳۹۳)، درآمدی معرفت شناسانه بر ادراک زیبایی در اندیشه مولانا، فصلنامه کیمیا ی هنر، سال سوم، شماره ۱، صص ۵۵-۶۶.
- جانجی، رکا (۱۳۸۸)، ارتباط زیباشناختی از نظرگاه هندی، ترجمه نیمان افشار، فرهنگستان هنر، تهران.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲)، نظریه های جامعه شناسی هنر و ادبیات، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- رزمنگیر، میثم و سید محمد انتظام (۱۳۹۲)، قوه خیال و ادراک خیالی از دیدگاه ابن سینا و سهروردی، مجله معرفت فلسفی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۲۷-۴۸.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۴)، شرح مثنوی مولوی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، تهران.
- سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۳)، حکمته الاشراف، تصحیح هانری کرین، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران.
- شیرازیان، رضا (۱۳۹۲)، جذابیت در بناها و محوطه های تاریخی، انتشارات دستان، تهران.
- صدیق، حسین (۱۳۸۳)، زیبایی شناسی و مسائل هنر از دیدگاه ابوحنیان توحیدی، ترجمه سید غلامرضا تهامی، المهدی و فرهنگستان هنر، تهران.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۶)، ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.